

# گونه شناسی مواجهه امیرالمؤمنین<sup>۷</sup> با مخالفان در عصر حکومت

احمد جاوید انوری<sup>۱</sup>

سید فیاض حسین شاه<sup>۲</sup>

## چکیده

یکی از وظایف خطیر حاکمان اسلامی، برخورد مناسب در برابر تهدید مخالفان داخلی و خارجی است، در این راستا الگوگیری از سیره و سخن امام علی<sup>۷</sup> می‌تواند راهگشا باشد، حجم عمده‌ای از خطبه‌های روشنگرانه آن حضرت قبل از جنگ، اهتمام وافر ایشان برای گفتگوی مستقیم با مخالفان در آغاز فتنه، همچنین بهره‌وری از فضای جنگ برای گفتگو با سران مخالفان و موعظه سپاهیان و همچنین نگارش نامه‌های مفصل در تبیین نتیجه جنگ در جهت اصلاح جامعه اسلامی به کار رفته است، امام حتی با مخالفان نیز رفتار توأم با مدارا داشتند، مخالفان آن حضرت در سه گروه ناکثین، قاسطین و مارقین دسته‌بندی می‌شوند، رفتار امیرالمؤمنین<sup>۷</sup> با هر گروه متفاوت بوده همچنان که رفتار ایشان با هریک از این گروه‌ها نیز در مقاطع مختلف هم متفاوت‌اند و در سه روش کلی «گفتگو»، «مدارا» و «برخورد قاطع» قابل دسته‌بندی است، در این تحقیق با روش توصیفی-تحلیلی به گزارش‌های منابع در این زمینه پرداخته شده است.

## واژگان کلیدی

امیرالمؤمنین<sup>۷</sup>، مواجهه با مخالفان، ناکثین، قاسطین، مارقین.

۱. دکتری سیره پیامبر اعظم<sup>۹</sup>، جامعه المصطفی<sup>۹</sup> العالمیه، تاریخ دریافت ۱۴۰۱/۵/۸ - تاریخ تأیید ۱۴۰۱/۷/۶.

۲. تاریخ اهل بیت،: دانش آموخته جامعه المصطفی<sup>۹</sup> العالمیه fayyazsyed@yahoo.com.

## مقدمه

رهبران الهی در برخورد با مخالفان خود نهایت مهربانی را به کار می‌گرفتند. امام علی بن ابیطالب<sup>۷</sup> در عهدنامه خود به مالک می‌فرماید:  
نرم‌خویی، مهربانی و عطوفت با مردم را دل خود جای ده یعنی با ایشان نیکی و احسان کند (بد رفتار نکند).

در دوران حکومت امیرالمؤمنین<sup>۷</sup> به دلیل مخالفت گروه‌های گوناگون با آن حضرت زمینه نمایش سیره عملی رهبران الهی در رفتار با مخالفان بیشتر از دیگر امامان پدید آمد، لذا بررسی و تحقیق این دوره از تاریخ در ترسیم اصل فوق، اهمیت بسزایی دارد. بر اساس گزارش منابع درباره سیره و زندگی امام، به نظر می‌رسد آن حضرت در برخورد با مخالفان و دشمنان خویش از سه شیوه و روش اساسی «گفتگو»، «مدارا» و «برخورد قاطع» بهره بردند که ضمن توضیح اجمالی هریک از این روش‌ها، در ادامه پس از تقسیم‌بندی انواع مخالفان به نمونه‌های به کارگیری هر یک از این روش‌ها اشاره می‌گردد.

### روش گفتگو

امام علی<sup>۷</sup> با طلحه و زبیر و دیگر مخالفان بارها به گفتگو پرداخت و آنان را هدایت و نصیحت نمود. بعد از آن که طلحه و زبیر با ایشان بیعت نمودند و نزد آن حضرت آمدند، طلحه تقاضای حکومت عراق را نمود و زبیر حکومت شام را تقاضا کرد ولی آن حضرت نپذیرفت و آن دو گفتند: به خدا بیعت ما با علی<sup>۷</sup> از دل نبوده است و از آن حضرت اجازه بجا آوردن عمره را نمودند، آن حضرت فرمود: به خدا سوگند تصمیم عمره ندارید بلکه بنای مکر و حيله دارید؛ و آن دو قسم خوردند ما قصد مخالفت و بیعت شکنی نداریم.<sup>۱</sup>

### روش مدارا و نرمش

سعی و تلاش اولیه امام در رفتار با مخالفان مدارا و نرمش بود. آن حضرت به

۱. جمعی از نویسندگان، دانشنامه امام علی، ج ۱، ص ۳۴۴.

هیچ وجه راضی به کشته شدن مسلمانان نبود پس از پایان جنگ جمل آن حضرت با عایشه (همسر پیامبر<sup>۹</sup>) با مدارا و ملاطفت برخورد نمود و با وجود این که او فتنه را برپا کرد و علیه حکومت و امام قیام کرد ولی امام او را نکشت و به همراه برادرش محمد بن ابی بکر به مدینه فرستاد.<sup>۱</sup>

#### روش مواجهه قاطعانه:

اولین اقدام امام علی<sup>۷</sup> در برخورد با مخالفان پاسخگویی به شبهات و مناقشات آنان بود، رفتار مسالمت آمیز داشت، اگر این روش به جای نمی رسید و اگر مخالفان دست به قیام علیه حکومت اسلامی می زدند، نوبت به برخورد قاطعانه می رسید. زمانی که مذاکره با مخالفان و دشمنان به جای نرسیده باشد و برخورد مسالمت آمیز به سوءاستفاده آن انجامید، ناچار از قوه قهریه استفاده می نمود. سیره و راه و روش امام علی<sup>۷</sup>، بسان رسول اکرم<sup>۹</sup> و پیروی از ایشان بود، نمی توان حکومتی را یافت که مخالف نداشته باشد، چه این حاکمیت حق باشد و یا باطل، مخالف دارند. باید دید که شیوه و روش صحیح برخورد با مخالفان چیست؟ و چگونه با مخالفان رفتار کنیم. حکومت نزدیک به پنج ساله امام علی<sup>۷</sup> بهترین الگو و اسوه برای همه مسلمانان است.

#### دسته بندی مخالفان امیرالمؤمنین<sup>۷</sup> در دوران حکومت

هنگامی که آن حضرت به حکومت رسید، با هجوم بی سابقه یاران پیامبر اکرم<sup>۹</sup> از مهاجر و انصار برای بیعت با حضرت علی<sup>۷</sup>، ایشان زمام امور را به دست گرفت تا اینکه مطابق با سنت پیامبر<sup>۹</sup> و قوانین اسلامی با مردم رفتار حکومت نماید، تمام تلاش آن حضرت معطوف بازگرداندن و احیاء فرهنگ عصر پیامبر<sup>۹</sup> بود، زیرا سنت رسول<sup>۹</sup> فراموش شده و پارسایی دوران پیامبر<sup>۹</sup> از بین مردم رخت بر بسته بود. با این وجود اولین قدم ایجاد عدالت اجتماعی میان مردم بود، تحمل عدالت برای کسانی که به رفاه از طریق درآمدهای نامشروع خو گرفته بودند، سخت بود تعصب نژادی و قومی به اوج رسیده بود و

۱. جعفریان، رسول، حیات فکری سیاسی امامان شیعه (ع)، ص ۵۷.

انحرافات زیادی به وجود آورده بود، بیت‌المال عادلانه تقسیم نمی‌شد، وجود کارگزاران خائن و بی‌تجربه و ناسازگار مشکل را مضاعف می‌نمود، بر این اساس سیاست حکومتی و روش امام ع در برقراری عدالت موردانتقاد بسیاری از دوستان و دشمنان قرار گرفت، این انتقادات به‌جای رسید که بعضی از دشمنان امام می‌گفتند: علی<sup>۷</sup> سیاست ندارد و معاویه از او سیاستمدارتر است حتی این سخن میان صحابه<sup>۸</sup> امام هم گفته شد.<sup>۱</sup>

### انتقاد و مخالفت با حکومت‌ها به دو صورت ابراز می‌شود:

۱. مخالفان و منتقدان که در چهارچوب پذیرفته‌شده نظام، انتقاد می‌کنند و به سلاح متوسل نشده و به‌اصطلاح با شیوه سیاسی به مبارزات می‌پردازند.  
 ۲. مخالفان و معارضانی که در مقابل نظام و حکومت اسلامی شورش نموده و یا روش مسلحانه را اتخاذ می‌کنند که در اصطلاح فقهی «باغی» گفته می‌شود.  
 شیوه<sup>۹</sup> مواجهه و رفتار با هر گروه متفاوت خواهد بود، امام علی<sup>۷</sup> در برخورد با مخالفان خود نهایت مهربانی، بخشش و عطف را به کار می‌گرفتند و در حد امکان به جذب منتقدین اقدام نموده و از برخورد تند و خشن پرهیز می‌کردند تا از برافروخته شدن آتش عناد و لجاجت پیشگیری شود و زمینه و بستر هدایت آن‌ها فراهم گردد.

چشم‌پوشی از خطاها و اشتباهات مردم در شیوه و رفتار امام علی<sup>۷</sup> بسیار مشهود است و سیره<sup>۱۰</sup> ایشان در هدایت و اصلاح جامعه بود، امام علی<sup>۷</sup> سعی می‌کرد با گشادگی و گذشت (البته جز در آنجا که حفظ حدود الهی مطرح بود) راه تربیت را بر همگان همواره ساخت. در اواخر حکومت امام علی<sup>۷</sup> توطئه و فتنه در بصره شکل گرفت؛ و بعضی مردم به‌سوی معاویه رفتند و با او همکاری کرده و به مقابله با امیرالمؤمنین<sup>۷</sup> برخاستند که با تلاش و تدبیر آن حضرت و یارانش آن فتنه فرونشست. حضرت با استفاده از روش پیامبر<sup>۹</sup> در فتح مکه و بخشش عمومی، راه تربیت و هدایت را برای همه گشود؛ البته این تساهل و تسامح نیز دارای حدود و مرز است چنان‌که در نامه خود به مردم بصره تهدید می‌کند که در

۱. همان، ص ۵۹ تا ۶۴.

صورت تکرار اشتباه و خطا به گونه دیگر برخورد خواهد کرد؛ همچنین حضرت<sup>۷</sup> در عهدنامه مالک اشتر به وی سفارش می‌کند که از اشتباهات و خطاهای مردم چشم‌پوشد.

### مواجهه امیرالمؤمنین<sup>۷</sup> با مخالفان دوران حکومت

پس از قتل عثمان اجتماع عظیمی از مسلمانان تشکیل گردید تا خلیفه بعدی را انتخاب نمایند، شخصیت‌های انصار و مهاجرین، مانند عمار بن یاسر، ابوالهثیم بن التیهان، رفاعه بن رافع، مالک بن عجلان، ایوب بن انصاری و... به چشم می‌خورد، همه هم‌رأی و نظر شدند که با علی<sup>۷</sup> بیعت کنند و ایشان را شایسته‌ترین شخص برای رهبری مردم دانسته و همگی از فضایل و سوابق او آگاه بودند.<sup>۱</sup> حضرت علی<sup>۷</sup> خود نحوه ورود جمعیت را به خانه‌اش چنین بیان می‌کند:

آنان به‌سان ازدحام شتر تشنه‌ای که ساربان عقال و ریسمانش را باز کند و رهایش سازد بر من هجوم آوردند که گمان کردم که می‌خواهند مرا بکشند، یا بعضی از آنان می‌خواهند بعضی دیگر را در حضور من بکشند!

امیرالمؤمنین<sup>۷</sup> در جواب درخواست آنان فرمود: «من مشاور شما باشم بهتر از آن‌که فرمانروای شما باشم» و مردم نپذیرفتند و گفتند: تا با تو بیعت نکنیم رهایت نمی‌کنیم.

حضرت علی<sup>۷</sup> فرمود: اکنون که اصرار دارید باید مراسم بیعت در مسجد انجام بگیرد، من نمی‌خواهم بیعت پنهانی باشد و بدون رضایت مردم صورت پذیرد. به‌جز تعدادی اندک همه مردم با امام<sup>۷</sup> بیعت کردند، نخستین کسانی که با امام بیعت کردند، طلحه و زبیر بودند و این بیعت در روز بیست و پنجم ماه ذی‌الحجه، در سال سی و پنجم هجری انجام گرفت.<sup>۲</sup>

در اولین فرصت تلاش و سعی آن حضرت ع این بود که بتواند مخالفان را

۱. ابن ابی الحدید، عبدالحمید بن هبئه الله، شرح نهج البلاغه، ج ۴، ص ۸؛ جعفریان، رسول، حیات فکری سیاسی امامان شیعه، ص ۵۹ تا ۵۶.

۲. جعفریان، رسول، حیات فکری سیاسی امامان شیعه، ص ۵۷.

۳. همان.

به سوی تسلیم شدن در برابر حق بکشاند و اسلام و مسلمین را از جنگ و اختلاف حفظ نماید؛ اما باید توجه داشت که طمع و خودخواهی برخی مانع حق بینی و پذیرش حق هست با این وجود بیشترین درگیری حضرت با طیف از جامعه بود که ظاهری مثبت و خوب داشتند، اظهار اسلام و ایمان داشتند و به سنت پیامبرص پایبندی نشان می دادند، مانند ناکثین، قاسطین و مارقین که بعضی از آن‌ها برای خونخواهی عثمان در برابر امام علی علیه السلام شورش کردند. از سوی دیگر بسیاری از مردم توان تمیز میان حق و باطل را نداشتند و فریب ظاهر این خواص را خورده و در موضع گیری های شان دچار اشتباه می شدند مانند طرفداری مردم کوفه از ابوموسی اشعری که در نهایت به فاجعه حکمیت ختم شد. در چنین شرایطی امام دو راه بیشتر نداشت:

الف- برخورد مسالمت آمیز و مدارا و مذاکره، موعظه و نصیحت و خیرخواهی.

ب- برخورد سخت و قهرآمیز و نظامی.

#### ویژگی های بیعت امیرالمؤمنین علیه السلام

امیرالمؤمنین علیه السلام با شناخت عمیق از فضای جامعه و طیف های مختلف مردم و احتمال مخالفت برخی از کسانی که از به قدرت رسیدن ایشان احساس خطر می کردند، در زمان بیعت مردم پیش بینی های لازم را لحاظ نمود، این موضوع را از شرایط بیعت مردم با ایشان به خوبی می توان دریافت:

۱. هیچ کس برای بیعت با حضرت علی علیه السلام مجبور نشد و همه با اختیار کامل بیعت کردند، حتی آنان که آشکارا از بیعت با آن حضرت خودداری نمودند، مورد پیگرد قرار نگرفتند.<sup>۱</sup>

۲. بیعت با حضرت علی علیه السلام یک پیشنهاد عمومی و به صورت خودجوش بود، امیرالمؤمنین علیه السلام نحوه هجوم مردم برای بیعت را چنین توصیف نمودند: «به جانب من روی آوردید و پیایی فریاد کشیدید، البیعه، البیعه! من دستان خویش فروبستم،

۱. طبری، محمد بن جریر، تاریخ طبری، ج ۳، ص ۴۵۱.

اما شما آن را گشودید.»<sup>۱</sup>

۳. مردم در بیعت با علی<sup>۷</sup> حق انتخاب داشتند.

۴. بیعت مخفیانه و پنهان نبود و مطابق سنت رسول خداص در مسجد برگزار

شد.<sup>۲</sup>

با این اقدامات زمینه هرگونه مخالفت از بین رفت از این رو هرگونه بهانه-جویی، منتفی گردید، اما باین وجود، برخی دانسته و یا از سر جهل و نادانی و غفلت با حضرت به مخالفت پرداختند.

#### ۱. مواجهه امام علی<sup>۷</sup> با مخالفان غیر معاند

مخالفت و یا موافقت کورکورانه نیاز به راهنمایی و ارشاد و دلسوزی دارد و برخورد قهرآمیز و نظامی نمی تواند گره گشا باشد و موجب از بین رفت فرصت ها شده و مشکلات را افزایش می دهد، علی<sup>۷</sup> همواره سعی می کرد از طریق مذاکره و گفتگو سوء تفاهم ها و اختلافات درون جامعه اسلامی را مرتفع نماید و از خشونت پرهیز می کرد، ایشان کسانی را که بیعت نکردند یا با آن حضرت همکاری نکردند یا از شرکت در جنگ خودداری نمودند، مورد بازخواست قرار نداد و مجازاتی در نظر نگرفت.<sup>۳</sup>

برخی از یاران امام بر اثر جهل و نادانی به گروه های مخالف پیوستند ولی باز هم آن حضرت هیچ گاه مخالفان خود را از امتیازات عمومی که حق هر مسلمان در جامعه اسلامی بود، محروم نساخت و سهمیه آنان را از بیت المال قطع نکرد و هیچ وقت مخالفین را به اتهام مخالفت یا اعلان مخالفت دستگیر یا زندانی نکرد تا زمانی که حجت بر آنان تمام شود و از مخالفت دست بردارند.

در تقسیم بندی برخورد حضرت با مخالفان می توان به دو روش کلی اشاره کرد: مدارا و گفتگو؛ برخورد قاطع که به برخی از نمونه های آن می پردازیم:

۱. نهج البلاغه، خطبه ۱۳۷، ص ۴۲۰.

۲. همان. خطبه سوم، ص ۵۱؛ جعفریان، رسول، حیات فکری سیاسی امامان شیعه، ص ۵۷.

۳. ابن قتیبه دینوری، عبدالله بن مسلم، الامامه والسیاسه، ج ۱، ص ۵۳.

شیوه برخورد امیرالمؤمنین علیه السلام با عبدالله بن عمر

اولین حضور عبدالله بن عمر بن خطاب در جنگ خندق و در غزوات رسول خدا ص بود. بعد از کشته شدن عثمان بن عفان، عبدالله با امام علی علیه السلام بیعت نکرد، البته در صف مخالفین هم نبود و بی طرف ماند و از مخالفان حضرت علی علیه السلام نیز حمایت نکرد. او می خواست جانب احتیاط را برگزیند و به همین علت در فتوا محتاط بود.<sup>۱</sup> او در زمان حکومت عثمان هم محتاط بود، زمانی که عثمان به او قضاوت را پیشنهاد کرد ولی او از پذیرفتن قضاوت سرباز زد.<sup>۲</sup>

بعد از قتل عثمان، نیز برخی از جمله مروان بن حکم به او پیشنهاد خلافت دادن، عبدالله از نظر مردم سؤال کرد؟! مروان در جواب او گفت: بین ما و مخالفان جنگ خواهد بود؛ عبدالله گفت: به خدا سوگند! اگر همه بر بیعت با من متفق شوند جز اهل فدک، من خلافت را نخواهم پذیرفت و با مخالفان نمی جنگم.<sup>۳</sup>

عبدالله بن عمر خود را اهل عبادت می خواند و سیاست را از دین جدا می دانست. به همین منظور در کارهای سیاسی و اجتماعی کمتر دخالت می کرد و توانایی ورود در مسائل اجتماعی و سیاسی را در خود نمی دید، با این شرایط بود که امیرالمؤمنین علیه السلام عبدالله بن عمر را شخصیتی ضعیف می نامد.<sup>۴</sup>

زمانی که با امیرالمؤمنین علیه السلام بیعت نکرد عمار بن یاسر از حضرت درخواست ملاقات با عبدالله بن عمر را کرد تا شاید بتواند او را راضی به بیعت کند، حضرت علی علیه السلام به عمار یاسر اجازه داد، عمار بن یاسر نزد عبدالله بن عمر رفت و به او گفت: ابو عبدالرحمن، مهاجران و انصار با علی بن ابی طالب علیه السلام بیعت کردند. مردم کسی را انتخاب کردند که اگر او را بر تو برتری بدهیم، تو را به خشم نمی آورد و اگر تو را بر او برتری دهیم تو را خشنود نمی کند. ولی عبدالله بن عمر بن پذیرفت و به بیعت راضی نگشت، با وجود این مخالفتها واکنش آن

۱. ابن عبدالبر، یوسف قرطبی، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، ج ۳، ص ۹۵۱.

۲. ابن کثیر، اسماعیل بن عمر، البدایه والنهایه، ج ۹، ص ۴.

۳. ابن عبدالبر، یوسف قرطبی، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، ج ۳، ص ۹۵۲.

۴. ابن قتیبه دینوری، عبدالله بن مسلم، الامامه والسیاسه، ج ۱، ص ۷۲.



حضرت همراه با مدارا بود و گرچه توانایی برخورد شدید با او را داشت و می توانست او را حبس کند، اما برخورد خشونت آمیز را جایز ندانست، زیرا بیعت با امام علی<sup>۷</sup> با اکراه و اجبار نبود.<sup>۱</sup>

### شیوه برخورد امیرالمؤمنین<sup>۷</sup> با سعد بن ابی وقاص

سعد بن مالک بن وهب معروف به سعد بن ابی وقاص، صحابی رسول خدا<sup>۹</sup> فرماندهان سپاه اسلام در جنگ با ایران بود. به گزارش ابن سعد در طبقات الکبری، او در هفده سالگی مسلمان شد و از جمله کسانی بود که در جنگ های بدر، احد، خندق، خیبر و در فتح مکه حضور داشت و در هنگام فتح مکه یکی از سه پرچم مهاجرین در دست او قرار داده شد.<sup>۲</sup> وی از جمله کسانی بود که در سقیفه بنی ساعده با ابوبکر بیعت نمود.<sup>۳</sup> شهرت سعد بن ابی وقاص بیشتر در زمان عمر بن خطاب بود، زیرا فرمانده سپاه در نبرد «قادسیه» علیه ایرانیان بود و قادسیه را فتح کرد و از طرف عمر بن خطاب، حاکم کوفه شد، وی یکی از اعضای شورای شش نفره ای بود که برای انتخاب خلیفه، از سوی خلیفه دوم منتخب شده بود. او کسی نبود که خود را در مقابل حضرت علی<sup>۷</sup> بداند، اما هوای خلافت را نیز در سر داشت.<sup>۴</sup> با اینکه او در شورای شش نفره به عثمان رأی داد، زیرا از خویشان و هم قبیله او بود؛ اما در زمان خلافت عثمان از منصبی که خلیفه دوم به او داده بود، برکنار شدند.

او از جمله کسانی بود که با امیرالمؤمنین<sup>۷</sup> بیعت نکرد. به او گفته شد که با آن حضرت<sup>۷</sup> بیعت کند، او در پاسخ گفت: من بیعت نمی کنم تا همه مردم بیعت کنند، حضرت فرمود: بگذارید برود، زیرا دوست نداشت کسی با اکراه و اجبار بیعت کند، بلکه مردم را آزاد می گذاشت که با میل و اراده و رغبت بیعت کنند. امیرالمؤمنین<sup>۷</sup> بارها کسانی را که بیعت نکردند یا در بیعت کردن تعلق به خرج

۱. طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، ج ۵، ص ۳۴۳.

۲. ابن سعد، محمد، الطبقات الکبری، ج ۳، ص ۱۲۳ و ص ۱۴۰.

۳. دینوری، عبدالله بن مسلم، الامامة والسياسة، ج ۱، ص ۲۸؛ ابن ابی الحدید، عبدالحمید، شرح نهج البلاغه، ج ۲، ص ۳۶۶.

۴. جعفریان، رسول، تاریخ دولت و خلافت، ص ۱۲۳.

دادند را مورد نکوهش قرار داد و ملامت نمود، نمونه آن را در خطبه شقشقیه می توان دید.

بعد از اتمام حجت عمومی در مرتبه دوم به صورت خصوصی امیرالمؤمنین <sup>۷</sup> با سعد نیز اتمام حجت کرد، گزارش ابن شبه حاکی از این است که حضرت <sup>۷</sup> با سعد ملاقات کرد و این آیه را قرائت نمود:

«تقوالله الذی تساءلون به والأرحام إن الله کان علیکم رقیبا»<sup>۱</sup>

از تو می خواهم به دلیل نزدیکی و فامیل بودن این دو فرزندم (حسنین) به پیامبر اکرم <sup>۹</sup> و نیز فامیل بودن حمزه عمویم به تو، همراه عبدالرحمن به نفع عثمان و در مقابل من نباش.<sup>۲</sup>

سعد در هیچ جنگی، به حضرت علی <sup>۷</sup> کمک و یاری نکرد؛ و در طرف مقابل آن حضرت نیز قرار داشت، برای همین علی <sup>۷</sup> با او برخورد ملایم و همراه با مدارا داشت.

### ۱-۳. شیوه برخورد امیرالمؤمنین <sup>۷</sup> با اسامه بن زید

اسامه بن زید از اصحاب برجسته رسول اکرم <sup>۹</sup> بود و در برخی غزوات و سریه ها شرکت داشت، پدرش، آزادشده پیامبر اسلام <sup>۹</sup> و از نخستین مسلمانان بود. پیامبر <sup>۹</sup> قبل از رحلت وی را فرمانده سپاه اسلام قرار داد، سپاهی از مسلمانان که بزرگان صحابه نیز در آن قرار داشتند و آماده بود که برای مقابله با سپاه روم به سرزمین بلقاء بروند. اسامه آن زمان جوانی بود که حدود بیست سال داشت، اما با وجود بزرگان صحابه از سوی رول خداص به فرماندهی سپاه تعیین شد.<sup>۳</sup>

وی در دوران خلافت ابوبکر، نیز همین مأموریت را داشت، اما از دوران خلیفه دوم درباره او آگاهی چندانی در دست نیست، جز این که خلیفه در تقسیم عطایا به او بیشتر از دیگران و حتی از فرزند خود عبدالله، اختصاص داد و علت

۱. نسا، ۱.

۲. ابن شبه نمیری، ابو زید عمر، تاریخ المدینه، ج ۳، ص ۹۲۸؛ طبری، ابن جریر، تاریخ طبری، ج ۳، ص ۲۹۶؛ بلاذری، احمد بن یحیی، انساب الاشراف، ج ۵، ص ۲۰.

۳. واقدی، محمد بن عمر بن سعد، المغازی، ج ۳، ص ۱۱۱۸.

آن را محبت و دوستی رسول اکرم<sup>۹</sup> با اسامه اعلام کرد.<sup>۱</sup> خلیفه سوم، به او قطعه زمینی بخشید؛ آنگاه که مردم بر عثمان شوریدند، اسامه از سوی خلیفه سوم مأموریت یافت تا به بصره برود و از مشکلات آن شهر اطلاعاتی جمع‌آوری کند.<sup>۲</sup>

هنگامی که حضرت علی<sup>۷</sup> به خلافت رسید، اسامه از کسانی بود که از بیعت با حضرت علی<sup>۷</sup> کناره‌گیری کرد، اگرچه عمار بن یاسر سعی کرد او را برای بیعت با امام قانع کند ولی حضرت علی<sup>۷</sup> او را به حال خود وا گذاشت و همچنین دیگران را که از بیعت امام کناره‌گیری نمودند، رها کرد مانند سعد بن وقاص، عبدالله بن عمر، محمد بن مسلمه و...<sup>۳</sup>

#### ۱-۴. شیوه برخورد امیرالمؤمنین<sup>۷</sup> با حسان بن ثابت

از بزرگ‌ترین شاعران عرب قبل از ظهور اسلام و بعد از اسلام بود. او از اصحاب رسول اسلام<sup>۹</sup> بود. او یمنی الاصل بود ولی در یثرب به دنیا آمد.<sup>۴</sup> وی در خون‌خواهی عثمان بن عفان به عثمانیان پیوست. پس از خلافت عثمان، هنگامی که حضرت علی<sup>۷</sup> به خلافت رسید، از بیعت با آن حضرت امتناع ورزید. شیخ مفید می‌گوید: بعضی از بیعت حضرت امام علی<sup>۷</sup> خودداری نمودند، آن حضرت پس از امتناع آنان از بیعت سخنرانی نمود، در بخشی از سخن امام آمده است... از جانب اسامه، مسلمه، سعد، عبدالله و حسان چیزهای به من رسیده که آن را خوش ندارم و حق من و ایشان حاکم است.<sup>۵</sup>

۱ . بلاذری، احمد بن یحی، فتوح البلدان، ج ۳، ص ۵۵۱؛ قرطبی، یوسف، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، ج ۱، ص ۸۶.  
 ۲ . طبری، ابن جریر، تاریخ طبری، ج ۴، ص ۳۴۱.  
 ۳ . طبری، ابن جریر، تاریخ طبری، ج ۴، ص ۴۳۱؛ مسعودی، علی بن حسین، مروج الذهب، ج ۳، ص ۲۰۴؛ ابن سعد، الطبقات الکبری، ج ۳، ص ۳۱.  
 ۴ . ضیف، شوقی، تاریخ الادب، العصر الاسلامی، ج ۱، ص ۱۵۲.  
 ۵ . مفید، محمد بن محمد، الارشاد، ج ۱، ص ۲۳۷.

### ۱-۵. شیوه برخورد امیرالمؤمنین<sup>۷</sup> با ابوموسی اشعری

زمانی که حضرت علی<sup>۷</sup> به خلافت رسید، ابوموسی در نامه‌ای بیعت مردم کوفه را اعلام نمود.<sup>۱</sup> آن حضرت تمام کارگزاران عثمان را معزول کرده و به درخواست مالک اشتر و برخلاف میل ابوموسی را بر امارت ابقا نمود.<sup>۲</sup> این همه حوادث بعدی فهمیده می‌شود که بیعت او چندان هم از روی رغبت نبود.

علت شهرت خاص ابوموسی اشعری در منابع تاریخی نقش سیاسی مهمی است که در امر حکمیت پس از جنگ صفین ایفا نمود و خواه‌ناخواه از عوامل مؤثر انتقال خلافت به بنی‌امیه شد. زمانی که با نیرنگ و حيله عمروعاص و دسته‌بندی‌های فرماندهان سپاه عراق سرانجام جنگ به حکمیت کشد، ابوموسی از سوی فرماندهانی از سپاه عراق، چون زید بن حصین، اشعث بن قیس و مسعر بن فدکی - که همه آنها یمانی بودند، به‌رغم ناخوشنودی و هشدار حضرت علی<sup>۷</sup> به‌عنوان حاکم برگزیده شد.<sup>۳</sup> ابوموسی در نیرنگ عمروعاص درآمد و اعلام خلع حضرت علی<sup>۷</sup> را نمود و عمروعاص خلافت معاویه را مطرح نمود.<sup>۴</sup> ابوموسی چنانچه از نقش او در حکومت برمی‌آید مردی سست‌رأی، کوتاه‌فکر بود. حضرت علی<sup>۷</sup> وی را به‌اجبار لشکریان به حاکمیت قبول نمود، وگرنه به گفته ابن عباس، ابوموسی هیچ فضیلتی بر دیگران ندارد.

### ۱-۶. عزل فرمانداران پیشین

مهم‌ترین برخورد و رفتار حضرت امیرالمؤمنین علی<sup>۷</sup> با مخالفان عزل فرمانداران خلیفه پیشین و در رأس آنها معاویه بن ابی سفیان بود. آن حضرت از روز اول خلافت تصمیم داشت که کلیه فرمانداران زمان عثمان را که بیت‌المال را مقاصد و اغراض خاص سیاسی خود می‌کردند یا برای خانواده خودشان مصرف

۱. بلاذری، احمد بن یحیی، انساب الاشراف، ج ۴، ص ۵۳۵.

۲. یعقوبی، احمد بن یعقوب، تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۱۷۹؛ طبری، ابن جریر، تاریخ طبری، ج ۴، ص ۴۹۹.

۳. منقری، نصر بن مزاحم، وقعه صفین، ص ۵۰۰.

۴. طبری، ابن جریر، تاریخ طبری، ج ۵، ص ۵۴۶، ۵۳؛ بلاذری، احمد بن یحیی، انساب الاشراف، ج ۲، ص ۳۳۶-۳۴۳.

می کردند، از کار برکنار سازد. یکی از اعتراضات و ایرادهای آن حضرت به عثمان بن عفان، ابقای معاویه بن ابی سفیان بر حکومت شام بود.

حضرت امام علی<sup>۷</sup> در سال ۳۶ هجری اشخاص برجسته را حکومت در اقطار بزرگ اسلامی تعیین نمود. عمار بن شهاب را به کوفه، عبیدالله به عباس را به یمن، عثمان بن حنیف را به بصره، قیس بن سعد را به مصر و سهل بن حنیف را به شام اعزام نمود و همگی زمام کار را به دست گرفتند، به جز سهل بن حنیف که از نیمه راه برگشت.<sup>۱</sup>

مغیره بن شعبه، وقتی درباره اراده امام علی<sup>۷</sup> آگاه شد، به خانه آن حضرت رفت و با وی محرمانه به مذاکره پرداخت و گفت: فرمانداران عثمان را یک سال در مقام خود ابقاء کن و هنگامی که کاملاً بر اوضاع مملکت مسلط شدی، آنگاه هر کس را خواستی عزل کن. حضرت علی<sup>۷</sup> در پاسخ به او فرمود: به خدا قسم من در دینم مداهنه نمی کنم و امور مملکت را به دست اشخاص پست و نالایق نمی سپارم. مغیره گفت: حداقل با معاویه مدارا کن تا از مردم شام برای تو بیعت بگیرد و سپس، با اطمینان خاطر، معاویه را از مقامش عزل کن. حضرت علی<sup>۷</sup> فرمود: به خدا قسم دو روز هم اجازه نمی دهم که معاویه بن سفیان بر جان و مال مردم مسلط باشد. مغیره از خانه آن حضرت مأیوس رفت و فردا دوباره به خانه آن حضرت آمده و نظر امام را دایر بر عزل معاویه تصویب نمود.<sup>۲</sup> روش حضرت علی<sup>۷</sup> در تقسیم بیت المال خشم بعضی را برانگیخت؛ گروهی که پیوسته از عدالت و زنده کردن سنت های حسنه ناراحت می شدند و نمی توانستند تحمل کنند و خواهان تبعیض و اشباع غرایز نفسانی بودند.

## ۲. مخالفان معاند و اقدامات امام علی<sup>۷</sup>

برگزیده شدن خلیفه اول و دوم نیز اگرچه میان مردم اختلاف بود ولی خیلی زیاد نبود؛ اما خیلی طول نکشید که غوغا فرونشست و هر دو خلیفه بر اوضاع مسلط شدند. پس از انتخاب حضرت علی<sup>۷</sup>، گروهی به مخالفت علنی آن

۱. طبری، ابن جریر، تاریخ طبری، ج ۵، ص ۱۶۱.

۲. طبری، ابن جریر، تاریخ طبری، ج ۵، ص ۱۶۰.

حضرت برخاستند. مخالفت آنان با حکومت حضرت علی<sup>۷</sup> علل متعددی داشت، بعضی از بستگان مخالفان به دست حضرت علی<sup>۷</sup> در جنگ‌های متعدد کشته شده بودند. از جمله، ولید بن عتبه به آن حضرت گفت: پدرم در بدر به دست تو به قتل رسید و همچنان پدر سعید بن العاص در جنگ بدر به دست تو کشته شد. حضرت علی<sup>۷</sup> می‌خواست که در دروان حکومت خود مردم را به عصر پیامبر اکرم<sup>۹</sup> بازگرداند و سیره و روش او را در امر رهبری، به‌طور مطلق احیا کند. زمانی که آن حضرت به خلافت ظاهری رسید، می‌خواست مانند سیره و سنت پیامبر اکرم<sup>۹</sup> عمل کنند و بیت‌المال را مساوی تقسیم کند چون این روش و سنت پیامبر<sup>۹</sup> بود. سنت رسول این بود بین عرب و عجم سیاه و سفید فرقی نگذاشت. این روش امام علی<sup>۷</sup> سبب شد که گروهی دنیا پرست و جاه‌طلب بر علیه حضرت امام شورش کردند. روش مواجهه امیرالمؤمنین<sup>۷</sup> با معاندان اگرچه در ابتدا به قصد هدایتشان مدارا می‌نمود اما در نهایت مواجهه جدی و سخت‌ترین و در صورت نیاز برخورد نظامی داشت. نمونه‌ها بیان می‌شود:

#### ۱-۲. شیوه برخورد امیرالمؤمنین<sup>۷</sup> با پیمان‌شکنان (جنگ جمل)

حضرت علی بن ابی‌طالب<sup>۷</sup> در دروان حکومت خویش با سه گروه سرکش مواجهه شد. این سه گروه عبارت بودند از: ناکثان یعنی پیمان‌شکنان، قاسطین یعنی ستمگر و طغیانگر و بیرون از راه حق و حقیقت و مارقین یعنی گروه خارج از دین.

#### اقدامات مخالفان در جنگ جمل

۱. انتقام خون خلیفه عثمان بود درحالی‌که می‌بینیم که خودشان مخالف عثمان بودند و همکار قاتلین بودند. همسر پیامبر اکرم<sup>۹</sup> عایشه بن ابوبکر از طلحه و زبیر وظیفه خویش را پرسید، به او گفتند: تو به مردم بگو عثمان کشته شده و باید کار خلافت به شورای در میان مسلمانان بازگردد.<sup>۱</sup>
۲. در این زمینه عایشه دختر ابوبکر علاقه‌مند به بازگشت خلافت بنی‌تیم شده

۱. بلاذری، احمد بن یحیی، انساب الاشراف، ج ۲، ص ۲۲۳.

بود. وقتی که عثمان در محاصره خطر قرار گرفت، عایشه برای انجام حج به عازم مکه شده بود. در آنجا شنید که عثمان را به قتل رساندند و به جای او طلحه در مسند خلافت نشست، او بسیار خوشحال شد و به مدینه رفت و در آنجا شنید که حضرت علی<sup>۷</sup> به مسند خلافت رسید. او شنیدن این جریان به مکه بازگشت و فریاد مظلومیت عثمان را زد.<sup>۱</sup>

۳. طلحه و زبیر به مکه رفتند و آنجا با عایشه (همسر) پیامبر اکرم<sup>۹</sup> متحد شدند.<sup>۲</sup> آن‌ها (طلحه و زبیر) به او (عایشه) گفتند: اگر مردم بصره به تو ببینند، همه با تو متحد خواهند شد.<sup>۳</sup> ام سلمه کوشش فراوانی کرد تا عایشه را از این سفر منع کند. ولی عایشه رفت.<sup>۴</sup>

۴. عایشه می‌خواست حفصه را با خود کند. حفصه گفت: رأی وی رأی عایشه بن ابی بکر است و مصمم شد تا عازم بصره شود، اما عبدالله بن عمر او را از همراهی با اصحاب جمل باز داشت.<sup>۵</sup> عایشه با اشاره به آنکه «ام المؤمنین» است و حق مادری بر مسلمانان دارد، سعی کرد تا جمعیت را به شورشیان جذب کند. نام عایشه برای جذب مردم بسیار مؤثر بود.

طلحه در وقت شروع درگیری گفت: علی بن ابی طالب<sup>۷</sup> برای ریختن خون مسلمانان آمده است. نگویند که او پسر عم رسول اکرم<sup>۹</sup> است، همراه شما همسر رسول الله<sup>۹</sup> و دختر ابوبکر است، کسی که پدرش دوست داشتنی‌ترین مردم نزد رسول اکرم<sup>۹</sup> بود.<sup>۶</sup>

بعد از آن که شورشیان بر بخشی از بصره تسلط یافتند، با عثمان بن حنیف قراردادی بستند و امضاء کردند که تا آمدن حضرت علی<sup>۷</sup> صبر کنند، مشروط به آنکه دارالاماره، بیت‌المال و مسجد در دست عثمان بن حنیف باشد. شورشیان

۱. بلاذری، احمد بن یحیی، انساب الاشراف، ج ۲، ص ۲۱۷؛ ابن ابی الحدید، عبدالحمید، شرح نهج البلاغه، ج ۶، ص ۲۱۵.

۲. طبری، ابن جریر، تاریخ طبری، ج ۴، ص ۴۵۱.

۳. دینوری، ابوحنیفه، اخبار الطوال، ص ۱۴۴.

۴. ابن اعثم کوفی، محمد بن علی، الفتوح، ج ۳، ص ۲۸۲-۲۸۳.

۵. تاریخ طبری، ابن جریر، ج ۴، ص ۴۵۱؛ ابن اعثم کوفی، محمد بن علی، الفتوح، ج ۲، ص ۲۸۴.

۶. مفید، محمد بن محمد، الجمل، ص ۳۲۹.

پیمان را شکستند و شبانه، درحالی که عثمان بن حنیف مشغول نماز بود، به مسجد رفتند او را دستگیر کردند،<sup>۱</sup> و از شهر خارج کردند. شورشیان حدوداً پنجاه نفر را کشتند و نیز کشتن نگاهبانان بیت المال، به غارت آن پرداختند. هنگامی که خبر رفتن شورشیان در مدینه به حضرت علی<sup>۷</sup> رسید، آن حضرت با گروهی مردم به سرعت به طرف عراق حرکت نمود.<sup>۲</sup>

### مواجهه امام علی<sup>۷</sup> در برابر مخالفان

حضرت علی<sup>۷</sup> مایل به برپایی این جنگ نبود. لذا سه روز پس از ورود به بصره، از شورشیان خواست تا به «طاعت» بازگردند؛ اما آنان جواب مثبت ندادند.<sup>۳</sup> امام هر ممکن سعی نمود که جنگ صورت نگیرد ولی آنان شروع به جنگ کردن و به بعضی از یاران آن حضرت را کشتند. جنگ در اطراف شتر عایشه بود. گفته شد بیش از هشتاد دست که خواستند افسار شتر او را بگیرند، قطع شد.

۱. عایشه کوشید برای تحمیق مردم مشتی خاک برداشت و شبیه کاری که پیامبر اکرم<sup>۹</sup> انجام داده بود، خاک را به سپاه آن حضرت پاشید و گفت: شاهت الوجوه! آن حضرت به او فرمود: «و مارمیت إذ رمیت ولكن الشيطان رمی».<sup>۴</sup>  
 ۲. حضرت علی<sup>۷</sup> مقاومت مصریان را در اطراف جمل دید، دستور کشتن شتر را داد. آن حضرت نزد هودج رفته و عایشه را با خطاب «یا شقیرا» مورد سرزنش قرار داد.<sup>۵</sup>

۳. حضرت علی<sup>۷</sup> به نزد زبیر بن عوام رفت و درباره ای او سخن پیامبر اکرم<sup>۹</sup> فرمود که: «تو با علی<sup>۷</sup> جنگ خواهی نمود، درحالی که به وی ظلم می کنی.» یادآورد شد و زبیر بازگشت، ولی به یکی از بصری ها کشته شد.<sup>۶</sup> امام علی

۱. همان، ص ۲۸۴.

۲. ابوعمر، خلیفه بن خیاط، تاریخ خلیفه بن خیاط، ص ۱۸۴.

۳. دینوری، ابوحنیفه، اخبار الطوال، ص ۱۴۷.

۴. ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، ج ۱، ص ۲۵۷؛ مفید، محمد بن محمد، الجمل، ص ۳۴۸.

۵. همان، الجمل، ص ۳۶۹.

۶. ابن قتیبه دینوری، الامامة والسیاسة، ج ۱، ص ۷۲.



۷ سپس به طلحه فرمود: آیا از پیامبر اکرم<sup>۹</sup> نشنیدی که فرمود: «خدا یا دوست بدار هر که با علی دوستی کند و دشمن بدار هر که با او دشمن کند؟» تو نخستین کسی بودی که با من بیعت کردی و سپس بیعت خود را شکستی، آیا خداوند تعالی نمی فرماید: هر که پیمان شکنی کند، به ضرر خود شکسته است.<sup>۱</sup> طلحه توبه نمود و برگشت، ولی به وسیله تیر مروان بن حکم کشته شد.<sup>۲</sup>

۴. وقتی که هودج عایشه نگون شد، آن حضرت به محمد بن ابی بکر فرمود: خواهرت را به بصره به خانه عبدالله بن خلف خزاعی ببر. پس از چند روز آن حضرت به نزد عایشه رفت و به او فرمود: آیا خدا تعالی نفرموده بود که در خانه بنشین؟ سپس برای جنگ خارج شدی! آیا می خواهی باز گردی؟ عایشه گفت: باز می گردم و حضرت علی<sup>۷</sup> با بزرگی تمام، احترام همسر پیامبر اکرم<sup>۹</sup> را نگاه داشت و دستور داد چهل نفر از زنان در لباس مردان شمشیر بندند و عایشه را تا مدینه همراهی کنند. عایشه زمانی که فهمید همراهان او زن بودند، گفت: خداوند تعالی جزای فرزند ابوطالب را بهشت قرار دهد.<sup>۳</sup>

۵. پس از پایان جنگ آن حضرت بر کشته ها افسوس فروان خورد. بدین سان جنگ جمل با تلفات سنگین سیزده هزار نفر از عهد شکنان و پنج هزار نفر به یاران امام علی<sup>۷</sup> به پایان یافت.<sup>۴</sup>

#### ۷. حضرت علی و قاسطین (منافقین)

آن حضرت ابتدا از روش گفتگو با نامه نگاری اقدام می کرد و در صورت اصرار مخالفان بر مسیر اشتباه خود برخورد جدی انجام می دادند؛ مانند چند تا نامه ها بود.

نامه به معاویه بن ابی سفیان (نامه ۳۷)

چه سخت به هوس های بدعت زا و سرگردانی پایدار، وابسته ای! حقیقت ها را

۱. فتح، ۱۰.

۲. مسعودی، علی بن حسین، مروج الذهب، ج ۲، ص ۳۷۳.

۳. ابن قتیبه دینوری، الامامة والسياسة، ج ۱، ص ۷۸.

۴. مسعودی، علی بن حسین، مروج الذهب، ج ۲، ص ۳۸۰.

تباه نموده و پیمان‌هایی که خواسته خدا و حجت خدا بر بندگان او بود... و نامه دیگر آن حضرت یعنی نامه ۴۷ از نهج البلاغه به معاویه اندرز داد فرمود: تو ما را به داوری قرآن خواندی (دعوت می‌کنی) در حالیکه تو خود اهل قرآن نیستی (خودت بر قرآن عمل نمی‌کنی از دین دوری) و همچنین در نامه ۴۹ معاویه را هشدار داد در مورد دنیاپرستی و غیر از این نامه‌های متعدد به معاویه نوشته و گفتگوهای متعدد باهم پرداختند. حضرت علی<sup>۹</sup> از کوفه با فرستادن نامه‌ای به معاویه کوشید تا او را به اطاعت از امام مسلمین قانع کند. امام نوشت همانا که مردم بیعتی که مردم در مدینه با من نموده بودند تو نیز در شام سکونت داری، الزامی است... معاویه به امام نوشت که پس از رسول اکرم<sup>۹</sup> خلفای سه‌گانه بر سر خلافت آمدند تو بر همه ایشان رشک بردی و با همه گردنکشی نمودی و همچنان معاویه در ادامه از دشمنی امام با عثمان سخن گفت... حضرت علی<sup>۷</sup> فرمود: ما اهل بیت نخستین کسانی بودیم که بر پیامبر اکرم<sup>۹</sup> ایمان آوردیم خلاصه در آن زمان همه مشکلات بر ما بود و خطر جان هم بود و درباره گردن‌کشی بر خلفا فرمود: پناه بر خدا اگر چنان بوده باشد؛ اما تأخیر من در موافقت با ایشان پوزش نمی‌خواهم... و همچنین نامه‌نگاری‌ها حضرت علی<sup>۷</sup> و عمرو بن عاص بود که امام او را وعظ و نصیحت کرد و درباره معاویه فرمود که با او همراهی نکنند و رد و بدل نامه‌ها نوشته شد و یکی از نامه‌ها آن حضرت<sup>۷</sup> به عمرو نوشت: به راستی دنیا چنان است که آدمی را از هر چیز جز خود باز دارد و دنیا دار از دنیا بهره‌ای نبرد مگر آنکه هر نصیبی یابد باب حرص و میلش به دنیا فزون‌تر شود و نیکبخت آن است که از سر نوشت دیگران عبرت بگیرد و عمرو بن عاص به آن حضرت پاسخ نوشت: ما قرآن را در بین خود داور قرار دادیم و هر یک از ما داوری قرآن سپرده و حکم آن را بر خود قبول نموده است که پس از این کشمکش نزد مردم پذیرفته باشد و آن حضرت هنگام هر دیدار با دشمن خطبه می‌خواند.<sup>۱</sup> حضرت

۱. منقری، نصر بن مزاحم، پیکار صفین، مترجم: پرویز اتابکی، ص ۶۸۶.

علی<sup>۷</sup> اسیران صفین را آزاد نمود که به سوی معاویه بازگشتند. ولی درباره اسیرانی که به اسارت معاویه درآمده بودند گفته بود: ایشان را بکش. ولی معلوم شد که حضرت علی<sup>۷</sup> با اسیران ایشان را چه رفتار نموده و آن‌ها را چگونه آزاد نموده و چگونه بر خود کرده است، معاویه هم اسیران را آزادی دستور داد.<sup>۱</sup>

پس از ورود به صفین معاویه تنها آبشخور فرات را تصرف نمود و اجازه نمی‌داد عراقی‌ها از فرات آب بردارند. حضرت علی<sup>۷</sup> به اشعث بن قیس و مالک اشتر دستور داد آبشخور را باز پس گیرند. آن حضرت بعد از آزاد سازی آبراه فرات، برخلاف اقدام بی‌شرمانه معاویه بن ابی سفیان در بستن آب، با بزرگواری و گذشت فرمان داد تا مانع شامیان نشوند. پس آن حضرت نامه‌هایی به معاویه ارسال نمود تا وی را به طاعت خود وادارد، ولی معاویه در جواب گفت: میان من و شما جز شمشیر نخواهد بود.<sup>۲</sup> در این نبرد بعضی از یاران حضرت علی<sup>۷</sup> مانند عمار، هاشم بن عتبّه، خزیمه بن ثابت و ابوالثیم به شهادت رسیدند. ناگهان اشعث بن قیس در میان یاران خود گفت: اگر ما فردا از پیکار باز نایستیم، نسل عرب یکسره نابود شود. اگر فردا همه نبود شویم، چه بر سر فرزندان ما خواهد آمد؟ سخن اشعث تأثیرگذار بود. زمانی که عراقی‌ها بسیار کشته شده بودند، آن‌ها را به راحت‌طلبی و دنیاطلبی در کنار خانواده‌های خود دعوت نموده تا اندیشه ادامه پیکار و مقاومت و روحیه شهادت‌طلبی را از ضمیر آنان خارج کند.

بدین‌سان گفتگو پنهان و مخفیانه عتبّه بن ابوسفیان و اشعث و نامه‌هایی معاویه و یاران او برای اشعث فرستادند و هم آنان برای ایجاد اختلاف بین اصحاب علی<sup>۷</sup> به درآمد.<sup>۳</sup> آنان با پیشنهاد عمرو بن عاص، پانصد قرآن بر سر نیزه کردند و فریاد زدند: «خداوند را درباره دیتان، این کتاب الله بین ما و شما داور است.» ناگهان گروهی یاران حضرت علی<sup>۷</sup> گفتند: ما را به داوری قرآن خوانده‌اند، برای ما جنگ جایز نیست. اشعث گفت: داوری کتاب الله را قبول کند، زیرا تو به

۱. همان، پیکار صفین، ص ۷۱۸.

۲. دینوری، ابن قتیبه، الامامة والسياسة، ج ۱، ص ۱۰۶.

۳. ابن اعثم کوفی، الفتوح، ج ۲، ص ۱۶۱.

قرآن سزاوار تری.<sup>۱</sup> حضرت علی<sup>۷</sup> فرمود: این فریبکاری و حيله و بهانه است و نخواهند شما را از خودشان باز دارند.<sup>۲</sup> در این هنگام در میان یاران علی<sup>۷</sup> اختلاف افتاد. اشعث مرجع تصمیم‌گیری کوفیان شد. حضرت علی<sup>۷</sup> فرمود: اینان یاران دین و قرآن نیستند، بلکه اینان بدترین کودکان و بدترین مردان هستند. به درستی که قرآن‌ها را از روی نیرنگ به قصد خوار و ذلیل کردن آن برافراشته اند.<sup>۳</sup> مالک اشتر به سپاه معاویه یورش برد، ناگهان اشراف قبیله پیروزی حضرت علی<sup>۷</sup> منافع خود را در خطر احساس کردند، قاریان عبادت پیشه و ساده‌لوح را برای تحریک آماده کردند تا بیست هزار تن زره پوش با رذالت و بی‌تربیتی حضرت علی<sup>۷</sup> را محاصره نمودند و از او بخواهند که دعوت معاویه را بپذیرد و گرنه مانند عثمان تو را هم بکشیم. آن حضرت فرمود: وای بر شما، من با آنان می‌جنگم تا از دستور قرآن اطاعت کنند، زیرا از دستور قرآن و خداوند سرپیچی کردند و پیمان را شکستند و کتاب الله را خوار کردند.<sup>۴</sup> در این هنگام حدود چهار هزار تن از یاران حضرت علی<sup>۷</sup> از او خواستند که به جنگ باز گردد.

ناگهان در بین لشکر حضرت علی<sup>۷</sup> دو نفر به نام های جعد و معدان فریاد زدند: «لا حکم الا لله» و به سر پرده معاویه حمله کردند و کشته شدند. پس از آن از هر طرف صدا می‌آمد: لا حکم الا لله، هیچ حکمی جز حکم خداوند را نشاید.<sup>۵</sup> در بین یاران علی<sup>۷</sup>، عده‌ای به علی<sup>۷</sup> گفتند: زمانی به انتصاب داوران رضایت دادیم، گرفتار گناه، خطا و لغزش شدیم و توبه کردیم و از رأی برگشته‌ایم. حضرت علی<sup>۷</sup> فرمود: پس از اعلام رضایت برگردم؟ مگر خدای تعالی نفرموده به عهد و میثاق خود وفادار باشید.<sup>۶</sup> این مردم از آن حضرت<sup>۷</sup> بیزاری جستند و تهمت شرک به او زدند.<sup>۷</sup>

۱. منقري، نصر بن مزاحم، وقعة صفين، ص ۴۷۹ و ۴۸۲.

۲. يعقوبی، تاريخ يعقوبی، ج ۲، ص ۱۸۹.

۳. منقري، وقعة صفين، ص ۴۸۹؛ دينوری، اخبار الطوال، ص ۲۳۳.

۴. منقري، نصر بن مزاحم، وقعة صفين، ص ۴۹۰.

۵. همان، ص ۵۱۲.

۶. نحل، ۹۱.

۷. منقري، نصر بن مزاحم، وقعة صفين، ص ۵۱۷.

## ۲-۳. شیوه برخورد امیرالمؤمنین ۷ با خوارج (جنگ نهروان)

حضرت علی ۷ در برخورد با فتنه خوارج از شیوه‌های زیر بهره جست:

۱. شکیبایی و مدارا همراه با قاطعیت

۲. برافراشتن پرچم امان قبل از جنگ

۳. روانه نمودن مبلغ به سوی خوارج

۴. اندرز و اتمام حجت با استدلال

خوارج یکی از گروه‌هایی بودند که دوران خلافت حضرت علی ۷ خروج کردند در حالی که قبلاً آن‌ها هواداران حضرت علی ۷ بودند. آن‌ها در جنگ صفین و جنگ جمل با همکاری امام علی ۷ شرکت داشتند. پس از جنگ صفین به بهانه اعتراض به حاکمیت - که خود آن‌ها به حضرت علی ۷ تحمیل نموده بودند و مخالفت با پذیرش آن حضرت ۷ قیام کردند و تمسک به شعار «لا حکم الا لله» حضرت علی ۷ را کافر شمردند.

پس از اعلام داوران، حرورائیان یعنی خوارج در خانه عبدالله بن وهب راسبی گرد آمدند و او را به ریاست برداشتند و بر آن حضرت ۷ خروج کردند و به همراهی پیروان خود از بصره به نهران در جنوب شرقی بغداد رفتند.<sup>۱</sup> حضرت علی ۷ نامه‌ای به سران خوارج، آنان را برای جنگ با معاویه دعوت نمود، ولی در جواب او نوشتند: اگر به کفر خود شهادت دهی و توبه کنی، در کار تو و خودمان بنگریم و گرنه به تو اعلام جنگ می‌کنیم که خدای تعالی جنایتکاران را دوست ندارد.<sup>۲</sup>

## اقدامات امام علی ۷ با خوارج

از روایات و منابع تاریخی متعدد بر می‌آید تا زمانی که خوارج قیام مسلحانه ننموده بودند، آن حضرت با آنان نرم رفتار و مدارا برخورد نمود و حتی حقوقشان را از بیت‌المال قطع ننمود. آن حضرت ۷ می‌خواست خون ریخته نشود. لذا آن حضرت چند تا اقدامات انجام داد، مانند:

۱. طبری، ابن جریر، تاریخ طبری، ج ۴، ص ۵۶.

۲. دینوری، ابوحنیفه، اخبار الطوال، ص ۲۵۱.

۱. ارسال پیک برای گفتگو و می‌خواست حجت تمام کند و پیام فرستاد. کشتگان برادران ما را نزد ما بفرستید تا به قصاص آن‌ها را بکشیم و من دست از شما می‌دارم تا با شامی‌ها بجنگیم شاید خداوند قلب‌های شما را هدایت کند. ولی آنان با خشونت سختی جواب دادند: همه ما قاتلان آنان هستیم.<sup>۱</sup>

۲. حضرت علی<sup>۷</sup> به آنان فرمود: شما سرپیچی کردید، اکنون نیز بر حال قبلی خود برگردید. خوارج گفتند: اگر توبه نکنی، از ما کناره‌گیری کن.<sup>۲</sup> آن حضرت فرمود: آیا پس از ایمان به رسول خدا<sup>۹</sup> و هجرت با وی و جهاد در خدا به کفر خویش اقرار کنم؟<sup>۳</sup>

۳. آن حضرت بعد از اتمام حجت سپاه خود را آرایش داد و پرچم امان را به ایوب انصاری داد تا فریاد زند: هرکس از شما زیر این پرچم برود و کسی را نکشته باشد، برایش امان است. هر کس به کوفه یا مدائن رفت، در امان خواهد بود. ما قاتلان خود را قصاص می‌کنیم و نیازی به ریختن خون شما را نداریم.<sup>۴</sup>

۴. خوارج جنگ را آغاز نمودند و بالاخره آن حضرت اقدام عملی انجام داد کسانی که مصر بر اقدامات علیه خلافت و معاندان بودند، کشتند.<sup>۵</sup> خوارج به سرعت بسیار مضمحل شده و رهبرانشان کشته شدند. همه آنان کشته شدند جز چند نفر، از سپاه امام کمتر تر از ده نفر کشته شدند. این درگیری در نهم صفر سال ۳۸ رخداد. سرانجام خوارج شکست خوردند.<sup>۶</sup>

### نتیجه

مخالفان حضرت علی<sup>۷</sup> یا منقدان بودند و یا معارضان بودند. معتقدان که در چهارچوب پذیرفته شده نظام، انتقاد می‌کردند و به سلاح متوسل نمی‌شدند و

۱. طبری، ابن جریر، تاریخ طبری، ج ۴، ص ۶۲

۲. همان، ص ۶۲

۳. بلاذری، احمد بن یحیی، انساب الاشراف، ج ۳، ص ۱۰۷۰

۴. مسعودی، علی بن حسین، مروج الذهب، ج ۲، ص ۴۱۷

۵. دینوری، ابوحنیفه، اخبار الطوال، ص ۲۱۰

۶. عسقلانی، ابن حجر، الاصابه فی تمییز الصحابه، ج ۴، ص ۳۴۸؛ بلاذری، انساب الاشراف، ج ۲، ص ۳۷۴

به اصطلاح با شیوه سیاسی مبارزه می‌کردند. در مواجهه با مخالفان غیر معاند شیوه مدارا و سیاست جذب حداکثری داشتند. معارضان، یعنی آنان که در مقابل نظام و حکومت اسلامی شورش مسلحانه می‌کردند که به اصطلاح فقهی «باغی» گفته می‌شود و در مواجهه با مخالفان معاند نیز اگرچه تلاش برای مصالحه و اصلاح و بازگشت مخالفان داشتند در صورت عدم تبعیت به اقدام عملی علیه معاندان دست می‌زدند.

نحو رفتار امام با هر گروه مختلف بوده است. آن حضرت با مخالفان خود نهایت مهربانی، رحمت و عطوفت را به کار می‌گرفتند تا در حد امکان هر کس را که استعداد هدایت دارد به خود جذب کند و مبادا بر اثر برخورد تند و خشن پیشوایان، آتش عناد و لجاجت در وجودشان شعله‌ور شود. مخالفان امام علی<sup>۷</sup>، مسلمانان بودند که در مقابل امام ایستادند و سه تا نبردهای معروف دوران آن حضرت شد: جنگ جمل، جنگ صفین و جنگ نهران، ولی کوشش نهایی امام مصالحت بود که ریختن خون مسلمانان نشود. علت اصلی درگیری با امام اجرای عدالت بود که بر آنان سخت بود.

هدف ما نحوه رفتار امام علی<sup>۷</sup> با مخالفانش در عصر حکومتش در مقیاس با حکومت پیامبر اکرم<sup>۹</sup> یکی بود و آن اجرای قوانین خداوند و رضایت الهی بود. فقط زمان، موقعیت و مردم فرق می‌کند چون مخالفان پیامبر اکرم<sup>۹</sup> کفار و مشرکان بودند و مخالفان امام علی<sup>۷</sup> مسلمانان بودند. در این مقاله ما اثبات کردیم رفتار امام علی<sup>۷</sup> با مخالفان معاند و مخالفان غیر معاند چگونه بود.

## منابع

- قرآن کریم.  
نهج البلاغه.
۱. ابن ابی الحدید، عبدالحمید بن هبه الله، شرح نهج البلاغه، تحقیق: محمد ابوالفضل ابراهیم، دارالکتب العربیه، ۱۳۷۸ هجری، ۱۹۵۹ م، چاپ اول.
  ۲. ابن قتیبه دینوری، عبدالله بن مسلم، الامامه والسیاسه، مصر، شرکت مصطفی البابی الحلبي، ۱۳۸۸ ق، ۱۹۶۹ م، چاپ اخیر.
  ۳. ابن عبدالبر قرطبی، یوسف، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، تحقیق: علی محمد بحاوی، بیروت، دارالجيل، ۱۴۱۲ ق، ۱۳۷۱ ش، چاپ اول.
  ۴. ابن کثیر، اسماعیل بن عمر، البدایه والنهایه، بیروت، دارالاحیاء التراث العربی، مؤسسه تاریخ عربی.
  ۵. ابن سعد، محمد، الطبقات الکبری، تحقیق: عبدالقواد عطاء، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۰ ق، ۱۹۹۰ م، چاپ اول.
  ۶. ابن اعثم کوفی، محمد بن علی، الفتوح، بیروت، دارالندوه الجدیده، ۱۴۰۰.
  ۷. ابن حجر عسقلانی، الاصابه فی تمییز الصحابه، بیروت، دارالاحیاء التراث العربی، ۱۳۲ ق، چاپ اول.
  ۸. ابن شبه نمیری، ابو زید عمر، تاریخ المدینه، قم، منشورات دارالفکر، ۱۴۱۰ ق.
  ۹. ابی عمرو، خلیفه بن خیاط، تاریخ خلیفه بن خیاط، دارالکتب العلمیه، بیروت، ۱۴۱۵ ق، ۱۹۹۵ م، ۱۳۷۴ ش.
  ۱۰. بلاذری، احمد بن یحی، انساب الاشراف، تحقیق: محمد باقر محمودی، بیروت، مؤسسه اعلمی المطبوعات، ۱۹۷۴، ۱۳۹۴ م، چاپ اول.
  ۱۱. جعفریان، رسول، حیات فکری سیاسی امامان شیعه، نشر: قم، مؤسسه انصاریان، ۱۳۸۱.
  ۱۲. جعفریان، رسول، تاریخ دولت و خلافت، قم، دفتر تبلیغات اسلامی، حوزة علمیه قم، ۱۳۷۷ ش، چاپ دهم.



۱۳. دینوری، احمد بن داود، الاخبار الطوال، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۲۱ق، ۲۰۰۱م، ۱۳۷۹ش، چاپ اول.
۱۴. رضی، محمد بن حسین، نهج البلاغه، مترجم: دشتی، قم، نسیم حیات، ۱۳۷۹ش، چاپ دوم.
۱۵. ضیف، شوقی، تاریخ الادب، العصر الاسلامی، ناشر: ذوالقربی، مشخصات نشر: قاهره، دارالمعارف، سال ۱۳۸۹.
۱۶. طبری، محمد بن جریر، تاریخ طبری، بیروت، دارالکتب العلمیه، لبنان، ۱۴۰۸هجری، ۱۹۸۸م، چاپ دوم.
۱۷. مفید، محمد بن محمد، الارشاد، بیروت، مؤسسه العلمی المطبوعات، بیروت، ۱۴۱۰هجری.
۱۸. منقری، نصر بن مزاحم، وقعه صفین، قم، مکتب آیة العظمی المرعشی النجفی، ۱۴۰۴ق.
۱۹. مفید، محمد بن محمد، الجمل، تحقیق: علی میر شریفی، قم، مکتب الاعلام الاسلامی، مرکزالنشر، ۱۴۱۶ق، ۱۳۷۴، چاپ دوم.
۲۰. مفید، محمد بن محمد، الجمل، ۳۴۸ تحقیق: علی میر شریفی، قم، مکتب الاعلام الاسلامی، مرکزالنشر، ۱۴۱۶ق، ۱۳۷۴، چاپ دوم.
۲۱. مسعودی، علی بن حسین، مروج الذهب، تحقیق: محمد محی الدین عبدالحمید، مصر، السعاده، ۱۳۷۷ق، ۱۹۵۸م، چاپ سوم.
۲۲. منقری، نصر بن مزاحم، پیکار صفین، مترجم: پرویز اتابکی، چاپ دوم، ۱۳۷۰.
۲۳. واقدی، محمد بن عمر بن سعد، المغازی، تحقیق: مارس جونس، بیروت، بی تا.
۲۴. یعقوبی، احمد بن یعقوب، تاریخ یعقوبی، بیروت، دار صادر، ۱۳۷۹ق.



